هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ بیستم ۲۴ اسد ۱۳۹۴ ۲۹ شوال المکرم ۱۴۳۶ 15 August 2015



مردم ما بدانند که تروریزم با اسلام هیچ ارتباطی ندارد و مرتکبین اعمال تروریستی کسانی هستند که می خواهند اسلام را بدنام سازند و اعمال خود را به پای مسلمانان ختم کنند.

از سخنان رهبر شهید



هیئت افغانستان در نشست اسلام آباد تأکید کرد که؛

هدف اصلی، تأمین امنیت و مصئونیت شهروندان کشور است

همانگونه که شهروندان کابل می دانند، اخیراً پایتخت کشور شاهد موج حملات شدید تروریستی بود که در آن تعداد زیادی از هموطنان ما شهید و زخمی شدند. این حملات خشم مردم و مقامات کشور را در برابر پاکستان کشوری که متهم به حمایت از تروریسم است بر انگخیت. در پیوند به این موضوع یک هیئت بلند رتبهٔ جمهوری اسلامی افغانستان به رهبری محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ کشورمان، در سفر یک روزه (۲۲ اسد) وارد اسلام آباد شد تا پیام واضح دولت و مردم افغانستان را به جانب آن کشور بازگو نماید. رحمت‌الله نبیل رئیس ادارهٔ امنیت ملی و معصوم استانکزی سرپرست وزارت دفاع ملی نیز در ترکیب این هیئت حضور داشتند.

افغانستان که معیار رابطه اش با پاکستان را منافع ملی افغانستان و در رأس آن امنیت و مصئونیت جان شهروندان کشور می داند، امید دارد که جانب پاکستان نیز این معیار را درنظر گرفته و در راستای ابقای این روابط گام های عملی بردارد. افغانستان به صورت واضح از پاکستان خواسته تا از پدیدهٔ تروریسم، در کشور خود و افغانستان، تعریف یکسان ارائه کند.

ص۲

آیندهٔ روابط حکومت وحدت ملی با پاکستان

وحید مژده

از افشای خبر مرگ ملا محمد عمر به بعد، روابط میان افغانستان و پاکستان رو به سردی نهاده است. هرچند قبل از این جریان نیز مقامات امنیتی افغان سازمان استخبارات نظامی پاکستان را به طرح ریزی حمله به پارلمان افغانستان متهم کردند اما موج حملات اخیر به کابل که به کشته شدن تعداد زیادی از افراد نظامی و ملکی منجر گردید، بار دیگر بازار انتقاد از پاکستان را در افغانستان گرم ساخت. نه تنها رسانه های کشور، بلکه رئیس جمهور و رئیس اجرائیه هرکدام به نوبهٔ خود اسلام آباد را به حمایت از طالبان در جنگ علیه دولت افغانستان متهم کردند.

رئیس جمهور غنی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت، کمپ های آموزشی جنگجویان انتحاری و کارخانه های بمب سازی هنوز هم فعال است و پیغام های جنگ از پاکستان می رسد. داکتر عبدالله رئیس اجرائیه نیز پاکستان را متهم به حمایت از تروریسم و طالبان در افغانستان نمود و گفت که، پاکستان حاضر نیست تا پناه گاه های طالبان را در خاک خود از میان ببرد و در پروسهٔ صلح افغانستان همکاری صادقانه نماید.

در مقابل نطاق وزارت خارجهٔ پاکستان با لحن بسیار نرم این اتهامات را رد کرد و گفت که، پاکستان و افغانستان دشمنان مشترک دارند، پاکستان به تامین صلح در افغانستان همکاری نموده و از این به بعد نیز همکاری خود را ادامه خواهد داد.

رئیس جمهور غنی در شکایت از پاکستان تماس تلفنی با جان کری وزیر خارجهٔ امریکا داشته است. به گزارش رسانه های پاکستانی، نطاق وزارت خارجهٔ پاکستان در جواب گفته است که پاکستان و افغانستان ص۶

ابراز تسلیت و همدردی

روز چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته بر اثر دو انفجار در شهر تیانجین کشور چین و انفجاری در جمهوری عراق تلفات و خسارات زیاد مالی و جانی به بار آورد.

جمعیت اسلامی که درد دیدهٔ چنین حوادث دلخراش در کشور می باشد، بخاطر وقوع این رویداد و تلفات جانی و خسارات مالی ناشی از آن، مراتب تسلیت و همدردی عمیق خویش را به حکومت های جمهوری خلق چین و جمهوری عراق و بازمانده گان قربانیان حوادث اخیر، ابراز می نماید و امیدوار است بساط جنگ و نا امنی در افغانستان و همه کشورهای جهان برچیده شود تا مردمان جهان در صلح و رفاه بسر برند.

د نا امنیو تسلسل او د حکومت بې وسي



رفیق بحر

وروسته لدې چې د ملا محمد عمر د مړینې د خبر په خپریدو سره د سولې د لومړي پړاو خبرې لدې امله په اوبو لاهو شوې چې پخپله د طالبانو په صف کې بیلا بیلې ډلې را پیدا شوې او د ملا اختر منصور په ټاکنه طالبان درې ډلې شو؛ چې له مینځه یې د اختر منصور په وینا کې د سولې خبرې د دښمنانو له هڅو څخه گڼل کیدل. افغان دولت ته نوی گواښ راولاړ کړ، لکه چې د طالبانو خپلمنځي اختلاف د طالبانو لپاره نوی گواښ شو.

خو ورسره سم په تیره اونۍ کې په یوه ورځ درې غمناکې پیښې (د شاه شهید دردوونکې پیښه، د پولیسو اکاډمۍ مخې ته او هم د قصبې سیمه کې، دوه پرله پسې چاودنې) او ورځخه یوه ورځ وروسته د باگرام هوایې ډگر دروازې مخې ته چاودنه، هره یوه د افغان دولت لپاره نوې ننگونه وه او د ملي وحدت لخوا له څو میاشتو راهیسې له پاکستان سره د سولې لپاره تمرین او په پاکستان باندې ددې خبرې باور کول، چې په رښتیا به وسله وال مخالفین د افغان دولت سره د سولې د مذاکراتو پر مخ ۶مخ

داکتر عبدالله:

توقع ما از پاکستان، اقدام صادقانه است، نه گفتار نرم و امیدوار کنندهٔ بدون عمل!

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچهٔ اول سرک لیسهٔ نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

جاسوس زدایی شود!

افغانستان کشوریست که در حدود چهار دهه نا امنی، تجاوز، مداخلات پیدا و پنهان استخبارات کشورهای دور و نزدیک، این کشور را به چالش ها و تنش های گونه گون روبرو ساخته است. آنچه بیشتر از همه به این کشور و مردم آن ضربه وارده کرده است، جاسوسانی اند که به مثابهٔ مارهای آستین یا ستون پنجم در بدنهٔ نظام، ماهرانه فعالیت دارند و خنجر زهرآگین شان را هر ازگاهی وارد بدنهٔ نظام و مردم می کنند. اینها اسناد و گزارش های محرم را در اختیار دشمن قرار می دهند و به مثابهٔ خائنین ملی به حیثیت و آبروی وطن و وطنداران شان توجه ندارند و بار نوکری بیگانگان را به دوش می کشند.

هفتهٔ گذشته، مقام اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی از وجود جاسوسان در داخل نظام یاد آور شد و عملکرد خاینان درون نظام را خطرناک و مشابه اعمال تروریستی خواند که در صورت حذف از داخل نظام، دیگر شاهد حملات تروریستی نخواهیم بود. پیش از این، استاد سیاف نیز از حضور شماری از حامیان گروه طالبان در حکومت پرده برداشته بود و اخیراً مدعی شد که حکومت در مورد گفته هایش، طالب معلومات نشده است.

سال گذشته، اداره های امنیت ملی و لوی سارنوالی نیز از دستگیری و اعتراف چند جاسوس که به دوکشور همسایه جاسوسی می کردند، خبر داده بود. به گفتهٔ آنان دوسیه های شان تکمیل و به زودی محاکمه می شوند. اما تا حال خبری نیست تا عبرتی، به دیگر جاسوسان می شد. رئیس جمهور قبلی نیز باری با لحن تندی گفته بود، نام های جاسوسان افشاء شود «مخبرهای خارجی را از ادارهٔ افغانستان ریشه کن کنیم. » که همانند برخی گفته ها، جنبهٔ عملی نداشت!

دست اندرکاران کشتار مردم، مواد مخدر، فساد اداری و جاسوسی، خائنین کلانی اند که به نوبهٔ خود تیغ زهرآلود را در قلب کشور و مردم ما فرو می برند که مبارزه با این پدیده های شوم، وظیفهٔ دولت است. توقع ما این است که ریشه های جاسوسان خشکانیده شود. دولت باید به زودترین فرصت چهره هایی مزدوران بیگانه را شناسایی و محاکمهٔ علنی نماید. زیرا عامل بخشی چالش ها و تنش ها، همین اجیران و خود فروخته گان داخلی اند که خود را در بدنهٔ نظام جا زده، دو پهلو عمل می کنند!

ایران و فرصت های بعد از تحریم ها

ابوبکر سبزوار

بدنبال توافق هستوی میان ایران و کشور های ۵+۱ در ۲۲ سرطان، تحریم های بانکی و سایر محدودیت ها از سر راه اقتصاد ایران برداشته می شود. هرچند گفته می شود که رسیدن به حالت عادی نیازمند زمان است و در آیندهٔ نزدیک نباید انتظار تغییرات شگرف را داشت، اما از همین اکنون کشور های مختلف غربی در تلاش اند تا در بازار ایران سهمی برای خود اختصاص دهند. رفت و آمد ها به منظور بررسی فرصت های سرمایه گذاری آغاز گردیده است.

تحریم های اقتصادی علیه ایران بر تجارت این کشور با کشور های خارج به سختی صدمه وارد نموده و حتی صادرات سنتی این کشور یعنی نفت را نیز با محدودیت های فراوان مواجه ساخته بود.

از جانب دیگر ورود تکنالوژی پیشرفتهٔ صنعتی به ایران با این بهانه که می تواند استفادهٔ چند منظوره داشته باشد، ممنوع بود اما بعد از این توافق، صنایع ایران خواهد توانست با استفاده از پیشرفت های تکنالوژی، تولیدات خود را هم از نظر کمی و از نگاه کیفیت، بهبود و ارتفا بخشد. توسعهٔ تولید نیازمند بلند رفتن قدرت خرید در داخل کشور و یا بدست آوردن امکانات صدور تولیدات به خارج از کشور است که نیازمند سیاست گذاری های دقیق اقتصادی است.

با از میان رفتن تحریم ها، طبق یک برآورد، قیمت تمام شد کالاهای تولیدی در ایران ۱۵ درصد کاهش خواهد یافت. این کاهش قیمت تمام شد به این معناست که تولیدات کارخانه های ایران، هم در داخل با کالاهای وارداتی از خارج در موقعیت رقابتی بهتری قرار خواهند گرفت و هم در خارج از این کشور بخصوص در کشور های همسایه، اجناس ایرانی با قیمت پائین تری عرضه خواهد شد که به معنی توسعهٔ صادرات این کشور است.

افغانستان بعنوان یک کشور مصرفی که تقریباً اکثر نیاز های خود را از خارج تامین می نماید، بازار خوبی برای تولیدات اکثراً بی کیفیت کشورهای همسایه است. هرچند در مقایسه با حجم تجارت خارجی ایران، افغانستان بازار زیاد بزرگی برای آن کشور بشمار نمی آید، اما می توان پیش بینی کرد که رقابت بر سر بازار افغانستان میان دو کشور همسایه یعنی ایران و پاکستان، از این ببعد به نفع ایران خواهد بود.

اما در یک عرصهٔ دیگر افغانستان فرصت های بسیار درخشانی را به نفع ایران از دست خواهد داد و آن نیز از دست دادن مزیت ترانزیتی برای انتقال گاز از آسیای میانه به جنوب آسیاست.

تحریم های بین المللی در طول سال های گذشته موجب گردیده بود تا کمپنی های بزرگ صادر کنندهٔ گاز و نفت نتوانند در قسمت انتقال گاز توسط پایپ لاین از مسیر ایران سرمایه گذاری نمایند. در آن زمان همه منتظر صلح و ثبات در افغانستان بودند تا این کار از طریق افغانستان صورت گیرد اما جنگ افغانستان این فرصت طلائی را از افغان ها دریغ داشت.

دوران حامدکرزی دوران از دست رفتن فرصت ها بود. هیچ تلاش جدی در جهت رسیدن به صلح صورت نگرفت و نیروهای خارجی نیز که بیشتر بدنبال اهداف طولانی مدت و فرا تر از افغانستان در منطقه بودند، با قبول مصارف گزاف و تلفات سنگین، در میدان نبرد پیروز نشدند. دولتمرادان ما فرصت زیادی را صرف متهم ساختن پاکستان به دخالت در امور افغانستان کردند به این امید که امریکا بر پاکستان فشار وارد آورد. زمامداران افغانستان هرگز توان درک این حقیقت را نداشتند که امریکا بخاطر اهداف بسیار بزرگتری به افغانستان آمده است و پاکستان ابزار آن اهداف بزرگتر است؛ بنا بر این پاکستان هرگز زیر فشار قرار نخواهد گرفت. به دلیل عدم درک همین موضوع، صلح نیز در صدر اولویت های دولت قرار نداشت و وقتی سخن از صلح بمیان می آمد، عده ای که صدای شان از جای مصون بیرون می آمد تاکید می کردند که دست آورد های بعد از شکست طالبان نباید فدای صلح شود.

چه دست آوردی بزرگتر از صلح برای افغانستان وجود داشت؟ رسانه های وابسته به امریکا در داخل و خارج از امضای قرارداد امنیتی با امریکا گرفته تا انتخابات ریاست جمهوری، هر واقعه ای را بعنوان یگانه راه نجات و رسیدن به آب زندگانی برای مردم این سرزمین ترسیم کردند اما در نهایت نتیجه این شد که امروز بعد از چهارده سال، و ریخته شدن اینهمه خون و ویرانی، همه روزه هزاران نفر جلوی در ریاست پاسپورت صف می کشد تا راهی برای فرار از این کشور بیابد.

یکی از امید های مردم افغانستان این بود که افغانستان بتواند بعنوان پل ترانزیت میان آسیای میانه و جنوب آسیا نقش ایفا نماید و به این ترتیب فرصت های خوب برای سرمایه گذاری در افغانستان میسر گردد اما وقتی زمامداران یک کشور از درک درست شرایط ناتوان باشند، نتیجه همان می شود که ما با آن مواجه هستیم. مشکل ایران با غرب حل شد و از این به بعد، ایران سهم بزرگی از نقشی را که افغانستان می توانست بعنوان مسیر ترانزیتی میان آسیای میانه و جنوب آسیا ایفا نماید، بخود اختصاص می دهد درحالیکه افغانستان همچنان درگیر جنگ است.

هیئت افغانستان در نشست اسلام آباد ...

هیئت افغانی با نوازشریف نخست وزیر و سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و روابط خارجی نخست وزیر پاکستان طور جداگانه دیدار کرده است.

در اعلامیهٔ که از سوی وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان در مورد سفر اخیر هیئت عالی رتبهٔ افغانستان به پاکستان صادر شده، در قسمتی آن آمده است: رئیس هیئت جمهوری اسلامی افغانستان به وضاحت به جانب پاکستان بیان داشت که تشدید اعمال تروریستی و اعلان ادامهٔ آن از آنطرف خط که باعث کشتار مردم بی گناه افغانستان در کابل و سایر شهرها شد، نقطهٔ عطفی را در تغییر اذهان مردم و دولت افغانستان ایجاد و ضرورت به اقدامات جدی و عملی جمهوری پاکستان، برای مهار کردن آن را بیشتر ساخته است.

در اعلامیه تذکر رفته است: در این دیدارها، هیئت افغانستان تأکید کرد که تروریزم خطر جدی برای منطقه و جهان و مخصوصاً برای هردو کشور می باشد و برنامهٔ عملی برای مبارزه با آن، طرح هشت فقرهٔ دولت جمهوری اسلامی افغانستان، می تواند محور این برنامه در مبارزهٔ جدی با تروریزم باشد.

اعلامیه می افزاید: در جریان گفتگوها هردو طرف تأکید کردند که روی گزینه ها و اقدامات مطرح شده، مشوره های بیشتری انجام داده و برای عملی شدن آن عندالموقع اقدامات جدی را روی دست گیرند. هیئت افغانستان تأکید کرد که هدف اصلی دولت جمهوری اسلامی افغانستان تأمین امنیت و مصئونیت شهروندان کشور است و دریچهٔ گفتگو برای رسیدن به صلح عادلانه و پایدار بحیث یک اصل اسلامی با آن هایی که به ارزش های اسلامی و انسانی باور دارند، باز بوده و آن را ادامه می دهیم. اما دولت مصمم است تا با آن هایی که دست به کشتار مردم بی گناه افغانستان می زنند، براساس خواست مردم افغانستان و در روشنایی قوانین جاری کشور، برخورد قاطع و جدی صورت گیرد.

یک روز پیش از اعلامیهٔ وزارت امور خارجهٔ افغانستان، وزارت امور خارجهٔ پاکستان نیز در خبرنامهٔ گفته بود که، سرتاج عزیز از آمادگی کشورش برای کمک به افغانستان برای فائق آمدن بر مشکلات موجود در این کشور تأکید داشته گفته است دو کشور باید به یکدیگر باور و اعتماد داشته باشند و در مقابل مخالفان و کسانی که تلاش می‌کنند به بی‌اعتمادی میان افغانستان و پاکستان دامن بزنند، بایستند.

در خبرنامهٔ وزارت امور خارجهٔ پاکستان آمده است، آقای عزیز همچنین وعده سپرده که کشورش تمام حمایت‌های ممکن از روند صلح در افغانستان را به عمل خواهد آورد و برای از سرگیری گفت‌وگوهای صلح تلاش خواهد کرد.

براساس این خبرنامه، هردو طرف توافق نموده اند تا تماس های شان را روی بهبود بخشیدن به همکاری های مشترک که شامل یافتن راه حل به مسایل مربوط به دو کشور می شوند ادامه دهند و برای برخورد با چالش هایی که هم اکنون در منطقه موجود است در چارچوب یک هماهنگی استراتیژیک کار نمایند.



استاد شهید با حامد کرزی و شمس الرحمن شمس معاون اسبق ولایت بدخشان

سرنوشت مذاکره با طالبان!

■ صدام احمد صخره

با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی، افغانستان پیش از هر زمان دیگر خود را به پاکستان نزدیک ساخت، تا آنجایی که این حکومت توافقنامۀ استخباراتی را با پاکستان به امضا رسانید که در داخل و خارج افغانستان ماجرا های بر پا گردید. در کنار این تلاش ها افغانستان به شکل بی سابقه یی خواهان همکاری متحدین پاکستان (چین، عربستان سعودی و ایالات متحدۀ امریکا) گردید تا از این طریق این کشور تشویق گردد و برایش دلگرمی اقتصادی میسر گردد تا به خواسته های افغانستان نزدیک گردد.

حرکت های نمادین مذاکره با طالبان در چین، قطر و پاکستان یک حرکت روتین و جزء سیاست های کشور پاکستان بوده که تا هنوز به نتیجۀ ملموس دست نیافته است. پاکستان از موضع صلح افغانستان به عنوان ابزار سیاسی استفاده نمود و تلاش نمود که تحت نام صلح با طالبان، به طالبان و متحدان افراطی اش در داخل افغانستان مشروعیت منطقه یی فراهم نماید.

افغانستان و پاکستان هیچ گاهی نمی خواهند سوالات اساسی تاریخی خویش را نادیده بگیرند. پاکستانی های طوریکه دیده شد دوگونه عمل می نمایند، با جانب کابل با زبان نرم و با طالبان طوری دیگری داخل بحث می شود. حال وقت آن فرا رسیده است که هردو کشور در گفتگو های پیش روی خواسته های استراتیژیک و اساسی خویش را به روی میز مذاکره بکشانند.

پاکستان که پدر معنوی طالبان گفته می شود، به ساده گی حاضر نیست طالبان را قربانی مذاکرات کابل سازد. بعد از مرگ ملا محمد عمر حالا جا دارد که قدرت ابتکار را حکومت وحدت ملی به دست گیرد؛ زیرا یکنوع چند دستگی در رهبری طالبان در حال شکل گیری است. این مرگ ذلت بار، بسیاری از رهبران طالب را به تفکر واداشته است و به نظر آنها این استخبارات پاکستان است که سرنوشت و آیندۀ طالبان را رقم می زند.

حوادث و انفجار های اخیر در کابل که توسط نظامیان پاکستانی به کمک شبکۀ حقانی به راه انداخته شده بود، رهبری دولت؛ به ویژه رئیس جمهور را به خشم آورد و در یک بیانۀ بی پیشینه پاکستان را عامل و پیام آور جنگ در افغانستان خطاب نمود. رئیس جمهور اظهار داشت که، پاکستان باید طی روز های اخیر سرنوشت جنگ و صلح را با هیئت بلند پایۀ افغانستان مشخص سازد؛ زیرا افغانستان در صورت تداوم یک چنین انفجارات و قتل عام از سوی متحدان پاکستانی اش، گزینه های جدید را روی دست خواهد گرفت.

جانب افغانستان از پاکستان می خواهد اگر پاکستان قادر نیست تا جلو دهشت افگنان را که در افغانستان خون و آتش می فرستند بگیرد، این کشور می تواند جلو مراکز تجمع آنها را در خاک خویش بگیرد و درب این مراکز آدم کشی را حد اقل برای چند ماه مسدود سازد.

حوادث اخیر، احزاب سیاسی، جوانان و اقوام را متحد ساخت تا در برابر یک چنین هجوم که از خارج کشور به داخل افغانستان صادر می شود، را بگیرند. همه اقشار و لایه های جامعه از سخنان اخیر رئیس جمهور حمایت و پشتیبانی نمودند. امروز افکار عامه به نفع دولت است و دولت باید از این نیرو سیال بهره بگیرد. هیچ وقت به اندازۀ امروز مردم افغانستان از سخنان اخیر رئیس جمهور با چنین قاطعیت پشتیبانی نه نموده اند.

تصفیۀ مزدوران زر خرید کشور های بیگانه از دستگاه دولت، مبارزۀ مشترک و احترام به افکار عامه می تواند کمر دشمن را بشکند. دیگر عمر سیاست متواضعانه و تضرع آمیز به پایان رسیده است. یک کشور هرقدر از نظر اقتصادی و نظامی ضعیف بوده باشد، می تواند منافع کشور تا دندان مسلح را با خطرات جدی مواجه سازد. حال وقت آن فرا رسیده است که حکومت وحدت ملی با زبان قاطع و روشن سخن بگوید؛ زیرا پاکستان زبان نرم و دپلوماسی را بهتر از ما می داند.

این کشور از یکسو با زبان نرم سخن می گوید و دشمنان افغانستان را دشمن خویش می داند و از جانب دیگر دست بر ماشه قرار دارد و هرلحظه می خواهد این ماشه را فشار دهد تا به اهداف خویش در افغانستان نزدیک گردد. پاکستان تا هنوز از سیاست ایجاد رعب و خوف و قتل مردمان بیگناه استفاده می کند، تا یک کشور به نام افغانستان را تحت فرمان خویش داشته باشد. امروز زنده گی در افغانستان حالت انفجاری را به خود گرفته است و این کشور قربانی هوس های سیاسی کشور همسایه گردیده است. هر نوع اهمال در قبال این سیاست دوگانۀ کشور همسایه، افغانستان را به بحران های عمیق خواهد کشاند. جای دارد که در برابر یک چنین سیاست های گُنگ و دو پهلوی پاکستان، مقابلۀ با مثل صورت گیرد.

مصر او سوریه...

ځکه د حکومت وسله وال مخالفین د بهرنیو سیلانیانو مخنیوی کوي او په همدې لړ کې څو ورځې وړاندې د څلورو فرانسوي او یوکروشیایي وګړي (اتومسلاو سالو ویک) د وسله والو په لاس یرغمال کېدو د مصر حکومت یو ځل بیا وننګولو او ددې لپاره چې مصري حکومت د نړیوالو او خپل ولس په وړاندې اعتبار پید ا کړی نو د کانال د پرانستلو غونډې ته یې د نړۍ د مختلفو هیوادونو مشران او استازي غوښتي وو، چې د افغان حکومت اجرائیه رئیس دوکتور عبدالله هم پدې ډله کې شامل وو او دغه سفر دواړو هیوادونو ته زیات ارزښت لرلو؛ ځکه مصري او افغان حکومت دواړه پدغو هیوادونو کې د موجودو جګړو لامله د اسلامي امت له پامه غورځیدلي دي او په ځانګړې توګه د دوکتور عبدالله د ازهرشریف له ستر مفتي څخه. د نوموړي سره د لیدنې پر مهال، له افغانستان څخه د لیدنې کولو بلنه پدې لړ کې یو مهم هدف وو. مګر مصر او سوریه پخپلو دې هڅو سره چې مصر د کانال پروژه خپله غټه لاسته راوړنه ګڼي او سوریې ته بیا پدې ورځو کې د ایران د بهرنیو چارو وزیر جواد ظریف سفر کوي، دغو هیوادونو ته ډاډ نشي بخښلی؛ ځکه دغه دواړو هیوادونو د خپل ولس پر خلاف جګړه کې ورځ تر بلې خپل اعتبار له لاسه ورکړی دی او اسلامي امت اوس د غو دواړو هیوادونو ته د تاریخي مصر او سوریې پر ځای سوریه د روسي او ایران د ګټو لپاره د خپل ولس پر خلاف جنګیدونکی هیواد او مصر د امریکا او سعودي د ګټو لپاره د خپل ولس خلاف جنګیدونکی رژیم ګڼي.

او په ځانګړې توګه د جی سي سي فرانسوي کمپنۍ سره کارکوونکي کروشیایي وګړي (تومسلاو سالو ویک) د مصر حکومت د مخالفینو په لاس د وژل کیدو خبر، د مصر اعتبار د لویدیځې نړۍ سره نو رهم کم کړ؛ ځکه دغه نا امنۍ د سیلانیانو له لیارې لاسته راتلونکي عاید په وړاندې خنډ ګرځي، هغه وګړی چې د خلاصولو لپاره یې د مصر حکومت مخالفینو له مصري واکمن رژیم څخه په مصري زندانونو کې د بندي کړای شوو ښځو د پرېښودلو شرط وړاندې کړی وو. چې دا مهال په مصر کې د ګرم موسم لامله له سختو کړاوونو سره مخ دي او په مصر کې د سختې ګرمۍ لامله د شپیتو تنو وژل شوو څخه ډیری یې په همدغو زندانونو کې د زاړه عمر لرونکي او ښځې زندانیانې دي.

خو که د بشر د حقونو او ښځو په نومونو د لویدیځ د لاسپوڅو سازمانونو ضمیرونه انساني هم واې، نو نن به دوی هم له مصري دیکتاتور واکمن رژیم څخه د مصر د وسله والو مخالفینو په څېر غوښتنه کړې واې!!

شیوه ها و گونه های اثر پذیری شعر فارسی دری از قرآن کریم و حدیث شریف

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

بخش سوم

بهره گیری شاعران فارسی گوی از قرآن و حدیث، مانند بهره گیری از هر پدیدهٔ ادبی دیگر، شکل و شیوه های گوناگون دارد. این بهره گیری گاهی آشکار و گاهی پنهان می باشد. این اثر پذیری گاه هنرمندانه و شیرین و گاهی هم کلیشه یی و نه چندان دلنشین است. در اینجا به این نمونه های پرداخته می شود.



اثر پذیری از کلمات قرآن کریم:
در این اثر پذیری شاعر از واژه ها و ترکیب های قرآن کریم بهره می جوید؛ یعنی واژه ها و ترکیب هایی را در شعر خود بکار می برد که ریشه در قرآن و حدیث دارد. قرآن کریم و حدیث شریف این دو چشمهٔ جوشان فرهنگ اسلامی در باروری شعر فارسی دری نقش برازنده دارد. حال این تاثیر پذیری را در این حوزه های به بررسی می گیریم.

وام گیری واژه های قرآنی: در این جا شاعر واژه و ترکیب های قرآن کریم و روایات معتبر را بکار می گیرد و در آن تغییر دیده نمی شود، مانند:

نه من از پردهٔ تقوا به در افتادم و بس
پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

واژهٔ تقوا، واژهٔ قرآنی است که در این بیت حافظ بکار گرفته است: (توشه بگیرید که نیکوترین توشه تقوا است، البقره ۱۹).

و یا:

نوشته اند بر ایوان جنت المأوی
که هرکه عشوهٔ دنیا خرید وای به وی

ترکیب جنت الماوی، ترکیب قرآنی است که با عین ساختار در سورهٔ نجم (۱۳-۱۵) آمده است. این تاثیر پذیری گاه با اندک تغییر لفظی یا معنوی همراه می باشد، مثلی واژهٔ حور (دوشیزه گان بهشتی خوش چشم) که واژهٔ قرآنی است و در ساختار عربی خود جمع حوراء می باشد و از این روی در آیت حور مقصورات فی الخیام (حوریان پرده نشین در سراپرده ها، الرحمن ۷۲) برای آن صفت جمع آمده است و با اندک تغییر معنای آن در شعر و زبان فارسی به صورت مفرد به کار رفته و به شیوهٔ حوریان جمع بسته شده است، مانند:

شکر آن را که میان من و او صلح افتاد
حوریان رقص کنان ساغر شکرانه زدند

یا مثلاً ترکیب قرآنی کراماً کاتبین (فرشته گانی که شبانه روز آدمی را جستجو می کنند و آنچه انجام می دهند می نویسند، انفطار ۱۱). با اندکی دگوگونی لفظی با ساختار کرام الکاتبین به شعر فارسی راه یافته است، مانند:

تو پنداری که بدگو رفت و جان برد
حسابش با کرام الکاتبین است

اثر پذیری به شیوهٔ ترجمه: در این شیوه شاعر واژهٔ ترکیبی قرآن کریم را به صورت ترجمهٔ آن به کار می گیرد، مانند واژهٔ ترکیبی شب قدر

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است
یارب این تاثیر دولت در کدامین کوکب است

شاعر لیله القدر را به شب قدر ترجمه کرده که سه بار در سورهٔ قدر بکار رفته است و ترکیب وادی ایمن نیز چنین در شعر فارسی آمده است:

با تو آن عهد که در وادی ایمن بستم
همچو موسی ارنی گوی به میقات زنم

فارسی شده الواد الایمن است که در آیهٔ ۳۰ سورهٔ قصص آمده است.

اثر پذیری به شیوه برابر سازی: شاعر بدون آنکه آیه و حدیث را ترجمه کرده باشد بر پایه و مضمون آن آیه و روایات و یا داستان قرآنی شعر خود را استوار می سازد، مانند واژهٔ سابقه در شعر حافظ:

گفتیم ای بخت بخفتیدی و خورشید دمید
گفت با این همه از سابقه نومید مشو

این ابیات بر پایهٔ روایات و عباراتی چون: سبقت رحمتی غضبی (مهر من بر خشم من پیشی دارد) و یا من سبقت رحمته غضبه (آنکه مهرت بر قهرت پیشی دارد) بنا یافته است.

به همین ترتیب واژه های ید بیضا، دم عیسی، پیراهن یوسف، کلبهٔ احزان، طوفان نوح و... بر پایهٔ آیات و اخباری که در این زمینه وارد است، بنا یافته. به همین گونه بسیاری از اسماء و صفات خداوند مانند: خالق، رازق، رحمن، رحیم، ستار، غفار، غفور، قهار و... ترجمه و فارسی شده یی آن ها مانند: جهان آفرین، روزی ده، بنده پرور، خطاپوش، و بسیاری از نام واژه ها و اسم های خاص قرآنی و روایی مانند: آدم، حواء، ابراهیم، اسحاق، اسماعیل، ادریس، ایوب و ... ترکیب ها و تعبیر هایی که در پیوند به آن ها ساخته شده است. مانند: گناه آدم، گلستان ابراهیم، آتش نمرود، صبر ایوب، عصای موسی، آتش موسی، آب خضر، نفس عیسی، پیراهن یوسف، بوی یوسف، سحر بابل، سحر هاروت، کشتی نوح، عمر نوح، ملک سلیمان، نگین سلیمان و بسیاری از الفاظ و اصطلاحات اسلامی مانند: نماز، روزه، رکوع، سجود، حج، طواف، میقات، توکل، تقوا، توبه، نامهٔ اعمال، صراط، میزان و ... به شیوه های گوناگون به زبان و ادب فارسی راه یافته اند و این کلمات چنان در ذهن و زبان فارسی گویان جا نشین شده است که هیچگاه بوی بیگانه گی نمی دهند و نه غبار غربت بر آن ها می پیچد. حال به چند نمونه از این ترکیب ها که بر بنیاد آیات قرآنی در شعر فارسی بنا یافته است، اکتفا می کنیم:

از حافظ:

(آتش موسی آتش طور)

یعنی بیا که آتش موسی نمود گُل
تا از درختی نکتهٔ توحید بشنوی
شب تار است و ره وادی ایمن در پیش
آتش طور کجا موعد دیدار کجاست

از اهلی:

من ز آب و رنگ حسن ساقی خود یافتم
آنچه فیض آب خضر و آتش موسی بود

بیت الحرام از سعدی:

بدو گفت سالار بیت الحرام
که ای حامل وحی برتر خرام

توبهٔ نصوح (توبهٔ خالص و بی بازگشت) از سنایی:

باده نوشیم بی ریاء بی از آنک
به ریا توبهٔ نصوح کنیم

رفیع الدرجات از خاقانی:

ای قوی دل به رفیع الدرجات
وز برائت به جهان داده برات

از کمال خجندی:

به جفای تو اگر کشته شوم سهل مگیر
کشتهٔ تیغ تو باشند رفیع الدرجات

علایم خطر امراض در نزد نوزادان

داکتر شهربانو (غضنفر)
ترینر متخصص اطفال

در دورهٔ نوزادی مقاومت در مقابل امراض کم می باشد و تأخیر در تشخیص و تداوی می تواند منجر به مرگ و میر گردد. لذا در صورت بروز علایم ذیل فوراً با داکتر مشوره نمایید:

۱- تغییر در وضعیت عمومی نوزاد (طفل مانند قبل سرحال نیست)
۲- موجودیت تب
۳- بیحالی
۴- نا آرامی
۵- کبودی
۶- رنگ پریدگی
۷- عرق آلود
۸- تنفس سریع و مشکل
۹- سرفه
۱۰- بلع نکردن افرازات دهن
۱۱- گریهٔ غیر طبیعی
۱۲- فلج یا عدم تحریکیت یکی از اعضای بدن
۱۳- تشنج
۱۴- خونریزی های تحت الجلدی
۱۵- خونریزی از جبل سروی (ناف) یا محل ختنه
۱۶- زردی شدید
۱۷- عدم دفع مدفوع در دو روز اول حیات
۱۸- استفراغ متکرر (مخصوصاً اگر سبز رنگ باشد)
۱۹- افرازات بدبو از ناف
۲۰- عدم ادرار در ۲۴ ساعت اول حیات
۲۱- ترشحات چرکی از چشم

موجودیت هریک از علایم فوق الذکر (به تنهایی یا توأم با دیگر) هشداری است به والدین تا نوزاد را به نزدیکترین مرکز صحی ببرند.

توصیهٔ مهم دیگر اجتناب از مصرف خود سرانهٔ دوا است، مصرف تریاک برای سرفه، دادن شیر خشک و گلوکوز برای زردی، دادن خاکشیر برای درد بطن و مصرف بسیاری از دواهای موجود در منزل نه تنها دردی را دوا نمی کند، بلکه باعث تاخیر در تشخیص و تداوی مرض نزد نوزاد می گردد. و حتی می تواند منجر به بروز عوارض ناگوار شود.

در موارد ذیل هم توصیه می شود قبل از حاملگی یا دورهٔ حاملگی با متخصص نسایی و ولادی نوزادان یا اطفال مشوره صورت گیرد:

۱- موجودیت سابقهٔ بعضی از امراض در فامیل (امراض ولادی)
۲- موجودیت سابقهٔ سقط.
۳- موجودیت سابقهٔ ولادت های قبل المعیاد
۴- سابقهٔ تولدات مرده
۵- سابقهٔ مرگ نوزادان در ماه های اول زندگی
۶- سن مادر کمتر از ۱۸ و بالاتر از ۳۰ سال
۷- سابقهٔ بیماری های خونی در خانواده
۸ – گروپ خون مادر صفر (O) باشد
۹- (-) RH مادر

داکتر عبدالله:

توقع ما از پاکستان، اقدام صادقانه است، نه گفتار نرم و امیدوار کنندهٔ بدون عمل!



حملات خونبار انفجاری که شب هنگام در منطقهٔ شاه شهید کابل و شام فردایش در دروازهٔ وردوی اکادمی پولیس در منطقهٔ خوشحال خان و حوالی ساعت ده همان شب در قصبهٔ شهر کابل و یک روز بعدش در چهارراهی میدان هوایی کابل رخ داد، در این حملات تعدادی از هموطنان ما شهید شدند و تعدادی جراحت برداشتند، که خسارهٔ مالی نیز به هموطنان ما بخصوص در ساحهٔ شاه شهید وارد آمد. مردم افغانستان نیز به خشم آمده اند و رهبران حکومت وحدت ملی روز دوشنبه ۱۹ اسد سال جاری، در حالیکه حملات انتحاری و انفجاری را تقبیح کردند و انگشت انتقاد بار دیگر بالای پاکستان – کشوری که متهم به حمایت و تمویل و تجهیز تروریستان است- دراز شد.

داکتر عبدالله پیش از ظهر در مجلس شورای وزیران و بعد از ظهر، اشرف غنی رئیس جمهور در یک کنفرانس مطبوعاتی، اعتراض شان را بیان داشتند که پاکستان در مذاکرات صلح صادق نیست. اما ساعاتی پس از بیانات تُند سران حکومت نسبت به پاکستان، اسلام آباد با لحن نرم، تروریزم را دشمن مشترک دو کشور عنوان کرده و خود را دوست و برادر افغانستان معرفی کرد. حکومت پاکستان با نشر خبرنامه ای گفته است که، آن کشور با از دست دادن بیش از ۶۰ هزار نفر، خود قربانی بزرگ دهشت افگنی بوده و درد و رنج مردم و حکومت افغانستان را درک می کند.

در خبرنامه آمده است که، حکومت پاکستان ۶۰هزار قربانی دارد؛ اما هنوز هم افغانستان به این کشور دچار سوء تفاهم شده است.

اینک متن کامل اظهارات داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی، جهت آگاهی بیشتر خواننده گان محترم، به نشر می رسد:

من تسلیت می گویم به مردم افغانستان و به خانواده های شهداء که در حوادث روزهایی گذشته به شهادت رسیدند و مردم افغانستان شاهد بوده اند که شدید ترین حملات تروریستی و بزرگترین جنایات در روزهای گذشته علیه مردم ما صورت گرفته است.

در نتیجه، مردم ما تلفات جانی داشتند و متحمل خسارات مالی شدند و قاتلین و تروریستان تحت عنوان طالب ها به خاطر اینکه صفوف از هم پاشیده شده خود را جمع و مورال از دست رفته خود را اعاده نمایند فکر می کنند که با کشتار مردم و جنایت در برابر مردم، می توانند اتحاد خود را دوباره حفظ کنند.

شما می دانید که رهبر جنایت کار آنان که قاتل اصلی مردم افغانستان طی دو دهه است دوسال پیش از بین رفت و دو سال دیگر تحت نام این جنایتکار بر ضد مردم افغانستان جنایت صورت گرفت. و بعد یک خدعه بسیار بزرگ دیگر صورت گرفت. چیزی که ما در حکومت وحدت ملی شاهد آن بودیم، تحت نام همین جنایت کار مذاکره هم صورت گرفت. کسانی آمدند برای مذاکره و از شخص او نمایندگی کردند. یک دورهٔ تاریک و یک دورهٔ بسیار سیاه را مردم افغانستان سپری کردند و امیدوار بودند که با آمدن حکومت وحدت ملی نقطه های آغاز می شود برای رسیدن به صلح پایدار و صلح باعزت و آرامش مردم.

دشمنان کشور و آن هایی که مزدوران اجانب بودند این فرصت تاریخی را نیز خواستند به یک خواب سیاه بدل بسازند.

می دانیم که دولت افغانستان و حکومت وحدت ملی از ابتدا نیت خود را برای رسیدن به صلح پایدار و عادلانه و با عزت در عمل و گفتار ثابت ساختن و اقداماتی را در این راستا انجام داد. در گذشته هم اقداماتی صورت گرفته بود.

جا دارد امروز در تمام این بخشها بازنگری نمائیم. در کجا نیت ما نشانه ضعف ما بوده از طرف طالب ها و یا از طرف آن هایی که از طالب ها حمایت کردند.

امروز همه ما می دانیم عاملین اصلی حملات تروریستی که صورت گرفته است، آن هایی که طرح ریختند و برنامه ریزی کردند و کسانی که این عملیات ها را عملی ساختند و مردم ما از آن صدمه دیدند، بیرون از افغانستان هستند. هیچ شک نیست همه آن هایی که با کمال وقاحت و با دوام جنایت می پردازند و افتخار می کنند به گرفتن مسوولیت این اعمال، آن ها در جمهوری اسلامی پاکستان جاگزین هستند.

وقتی که دو سال خبر مرگ ملامحمد عمر مخفی نگاه می شود بعد از آن آزادانه مجالس می گیرند و دوباره می خواهند که همان نام را به یک شکل دیگر توسط یک جنایتکار دیگری اعاده کنند و به زعم خود شان مشروعیت پیدا کنند و بیایند جنایت را علیه مردم افغانستان ادامه دهند.

در این هم شک نیست که نیت نیک ما در این راستا و اقداماتی که صورت گرفته به مردم افغانستان خوب توضیح داده نشده است، و اگر توضیح داده شده مورد قناعت مردم افغانستان نبوده است. ما همیش از نیت نیک خود و از اقداماتی که در این راستا انجام دادیم به مردم افغانستان خبر داده ایم، اما در پهلوی آن جنایت صورت گرفته، قتل صورت می گیرد و قتل و کشتار مردم بیگناه ادامه دارد.

توقع ما در پیامی که به جمهوری اسلامی پاکستان داده شده، توقع بسیار واضح است. حوادثی در پیشاور صورت گرفت، یک حادثهٔ تروریستی بود. اینجا همه ما، دولت و مردم ما، آن را محکوم کردند. در همان روز لوی درستیز پاکستان آقای راحیل شریف سفری به افغانستان داشت و گفت که یک تعداد از کسانی که در این حوادث شریک بودند در افغانستان هستند. بدون اینکه ما تقاضای شواهد بکنیم وعده همکاری به آنان دادیم و همکاری هم همراه شان صورت گرفت.

امروز و در حالیکه در روز روشن جنایتکاران مسوولیت این عملیات را بر عهده می گیرند، ولی با وجود آن هیچ نوع محدودیتی در فعالیت های شان ایجاد نشده و با کمال وقاحت جنایت را علیه مردم افغانستان ادامه می دهند. توقع ما از جمهوری اسلامی پاکستان، توقع اقدام صادقانه است، نه گفتار نرم و گفتار امیدوار کننده، بدون اینکه در عمل هیچ کاری صورت بگیرد.

مساله بسیار واضح است. ملت افغانستان تحت حملات تروریستی قرار گرفته. ملت افغانستان قربانی حملات تروریستی گردیده است. دولت افغانستان مکلف است که در کنار ملت قرار داشته باشد و قرار دارد. از جان و مال ملت با اقدامات جدی حمایت نماید و این کاری است که ما انجام می دهم. بازهم افتخار می کنیم به نیروهای امنیتی ما و افتخار می کنیم به ملت و مردم افغانستان.





نمایی از تعمیر های تخریب شده در شاه شهید کابل

در رابطه به جمهوری اسلامی پاکستان باید گفت: حکومت وحدت ملی در نیت، در گفتار و در عمل ثابت ساخت که خواستار روابط به اساس دوستی و همسایگی نیک، احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر با پاکستان است. ما قدم های فراوان و فراتری که حتی مردم ما به ما اجازه نمی دادند که حکومت وحدت ملی افغانستان این قدم ها را بردارد برداشتیم. اما متاسفانه آنچنانکه ما توقع داشتیم هیچ نوع همکاری از جانب پاکستان با افغانستان امروز و در ظرف ده ماه گذشته در راستای مقابله با تروریزم از طرف پاکستان صورت نگرفته است. صحبت های خوبی داشتیم. حرف های خوبی شنیدیم. اما آن هایی که جنایت می کنند بر ضد مردم افغانستان در آنجا تمویل می شوند. تجهیز می شوند. بالآخره

شما می دانید که از یکطرف اگر جنایت صورت گرفته از یکطرف اگر کشتار صورت گرفته از جانب دیگر مردم صف بستند تا خون بدهند. عسکر ما، پولیس ما و نیروهای امنیتی ما در دفاع از مردم و در سنگر خون خود را می ریزند. در این راستا ملت حکومت دولت همه یک دست و یکپارچه هستیم. این دفاع از عزت افغانستان است. این مسوولیت اساسی دینی و ملی ما است. آنچه که ما با آن مراسم تحلیف انجام دادیم و عهد کردیم با خدا و با مردم افغانستان. این اساسی ترین مسوولیت ما است. مهم است که مردم افغانستان در روشنی قرار بگیرند و دشمنان افغانستان، آن هایی که افغانستان را به طرف

ص۷

آیندۀ روابط حکومت وحدت ملی...

باید به منظور شکست افراطی گری با هم همکاری نمایند.

جان کربی نطاق وزارت خارجۀ امریکا در نشست خبری به خبرنگاران گفت که، افغانستان و پاکستان باید در دو سوی سرحد، پناه گاه های امن طالبان را مورد حمله قرار داده و از بین ببرند تا توانائی آنان برای حمله کاهش یابد.

وی ضمن اشاره به حملات اخیر طالبان به کابل از طالبان خواست تا از خشونت دست بردارند. وی همچنان از مذاکرات میان دولت افغانستان و طالبان که تا اکنون تحت سرپرستی پاکستان صورت گرفته حمایت نمود و ابراز امیدواری کرد که حملات اخیر مانع مذاکرات صلح میان دو طرف نشود.

نطاق وزارت خارجۀ امریکا گفت که، جان کری وزیر خارجۀ امریکا در تماس تلفنی با رئیس جمهور افغانستان گفته است که، از بین بردن پناه گاه های امن طالبان در دوسوی مرز یک ضرورت است اما کار آسان نیست. برای رسیدن به این هدف باید همکاری میان افغانستان و پاکستان ادامه یابد.

از سخنان وزیر خارجۀ امریکا و نطاق وزارت خارجۀ این کشور چنین بر می آید که رئیس جمهور غنی از امریکا مطالبه نموده که به منظور برچیده شدن پایگاه های طالبان در آنسوی دیورند بر پاکستان فشار آورد و مثال روشن آن گردهمائی رهبران طالبان به منظور تعیین رهبر جدید بود اما امریکا به این باور است که مخالفین دولت پاکستان نیز در خاک افغانستان پناه گاه های امن دارند و باید این مشکل از راه همکاری مشترک میان دو کشور حل گردد.

در اینجا بوضوح دیده می شود که امریکا پای خود را از منازعه میان افغانستان و پاکستان بیرون می کشد و هر اقدام در این رابطه را به همکاری مشترک میان دوکشور مربوط می سازد اما سفیر امریکا در کابل در ملاقات با مقامات افغان از موقف افغانستان ابراز حمایت می نماید!

بدنبال حملات اخیر طالبان به کابل، هرچند در ظاهر به نظر می رسد که روابط میان افغانستان و پاکستان بار دیگر رو به تیره گی می رود اما سخنان تند اشرف غنی بیشتر به منظور آرام کردن احساسات مردم در داخل افغانستان است. در چند روز گذشته سفیر افغانستان در پاکستان با مولانا سمیع الحق دیدار نموده و نیز وزیر خارجۀ افغانستان نیز با سمیع الحق تماس تلفنی داشته است. رسانه های پاکستانی از قول مولانا سمیع الحق نوشته اند که، وی به سفیر افغانستان گفته است که شخصاً برای همکاری به پروسۀ صلح حاضر است اما به این شرط که خواست های شرعی و معقول طالبان از جمله پایان اشغال افغانستان و بمیان آمدن نظام اسلامی در این کشور توسط جانب مقابل پذیرفته شود.

از جانب دیگر، پنجشنبۀ هفتۀ گذشته یک هیئت بالارتبه از افغانستان تحت ریاست صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه به پاکستان سفر نموده تا در رابطه به موضوعات امنیتی از جمله حملات راکتی نظامیان پاکستانی بر ولایت کنر با مقامات اسلام آباد مذاکره نماید.

افشای خبر مرگ ملا محمد عمر موجب دو دستگی در صف طالبان شده است. هرچند هیچکدام از دو طرف مذاکرات به منظور رسیدن به صلح را رد نکرده اند اما مشکل بزرگ اینست، کسانی که تا اکنون به نماینده گی از طالبان در مذاکرات با سرپرستی پاکستان سهم داشتند، دارای صلاحیت کافی برای قبول آتش بس نبودند.

از جانب دیگر دو دستگی در صف طالبان موجب می شود که هردو جانب برای اینکه از حمایت جنگجویان طالب برخوردار گردند، باید موضع تند روانه بگیرند. این مسئله خود می تواند موجب گردد تا مذاکرات صلح ماه ها به تعویق افتد.

تعویق مذاکرات و همراه با آن شدت جنگ موجب خواهد شد تا روابط میان دو طرف همچنان زیر تاثیر اتهامات از جانب افغانستان علیه پاکستان باقی بماند اما به نظر نمی رسد که اشرف غنی تنها دست آورد خود در دوران ریاست جمهوری اش یعنی نزدیکی با پاکستان و مذاکرات صلح را قربانی احساسات نماید و روابط با پاکستان را به دوران ریاست جمهوری حامدکرزی برگرداند.

تراژیدی ...

بعد از حکومت وحدت ملی میزان مهاجرت ها به کشور های دور و نزدیک بیشتر شده و روزی نیست که شماری جوانان ما در بحر های مدیترانه و در دریا های ترکیه و سرحد یونان و ترکیه و سائر مناطق تلف نگردند. همه روزه جوانان و نوجوانان ما از طریق قاچاق وارد ترکیه می شوند تا از این طریق وارد یونان و کشور های اروپایی گردند. حتا تعدادی از افغانستانی ها در مرز های انگلیس و فرانسه در حالتی بدی بسر می برند که رسانه های جهانی آنرا به تکرار گزارش داده اند.

طی روز های اخیر رسانه های بین المللی خبر دادند که تعدادی از مهاجران افغانستانی در خیابان بزرگ در یونان برای خود چادر بر افراشته اند و منتظر سرنوشت خویش اند و دنیا آن ها را نظاره می نماید. امروز افغانستان رقم بزرگ مهاجران را در خود دارد و در حدود ۳ میلیون انسان مهاجر در ایران و پاکستان زنده گی می کنند. وضعیت مهاجران افغانستانی در ایران و پاکستان بدتر از افغانستان است. من به چشم سر در ایران و پاکستان دیدم که به آنها به جرم افغان بودن تحقیر و توهین صورت می گیرد و فرزندان آنها نمی توانند آموزش و پرورش ببینند.

طی ماه های اخیر جریان مهاجرت در افغانستان افزایش یافته و جوانان به کشور های استرالیا، یونان، آلمان و خیلی از کشور های دیگر رو آورده اند. امروز گوش ها به اخبار غم انگیز افغانستانی ها عادت کرده است و هر روز غم نامه های آنها را می شنویم و هیچ کشوری تقریباً در جهان وجود ندارد که مهاجران از افغانستان در آن نبوده باشند. امروز جهان با تمام بزرگی اش برای افغانستانی ها تنگ شده است. به گفته شاعر:

مکن کاری که برپا سنگت آید　　جهان با این بزرگی تنگت آید

امروز مرگ در داخل و خارج کشور در کمین افغان ها نشسته است. این افغان ها اند که همه روزه طعمۀ کوسه های بحری و قاچاقچیان انسانی می گردند و یا در دام و شکنجۀ پولیس سال ها رنج می برند. امروز هزاران انسان روزانه درب تعمیر پاسپورت صف می کشند و این ریاست قادر به رسیده گی این همه متقاضیان پاسپورت نمی باشد. این ها همه می خواهند کشور را ترک کنند. امروز هیچ کس حاضر به پذیرفتن مسوولیت در داخل کشور نیست، نه دولت در قبال وظایف اش پاسخ می گوید و نه مردم برای داشتن یک کشور سالک و عاری از مشکلات احساس مسوولیت می کنند.

امروز کم کاری دولت روشن تر از آفتاب است، مردم با شنیدن دروغ ها عادت کرده اند و از شنیدن آن خسته شده اند. مردم به گنگ خواب دیده می ماند که دیگران از شنیدن آن محروم اند. بجای فشار آوردن به دولت، مردم فرار بر قرار ترجیح می دهند و تمام هزینه های خود را در خدمت فرار از وطن قرار می دهند تا از این برهوت انسانی نجات دهند. هرچند ما در افغانستان هیچگاه خواب خوشی ندیده ایم؛ اما باور ها بر این است که هیچ جای جهان بهتر از افغانستان برای ما نیست، هرچند در مهاجرت می توان برای خود کار و زنده گی مادی جستجو کرد، اما رنج مهاجرت، رنج غربت و بی وطنی از همه رنج های روی زمین خطر ناک تر است.

اگر همۀ ما با پنجه های آهنین در قبال مشکلات و بی مهری مبارزه کنیم، روزی خواهد رسید که این سرزمین جای مناسب برای زنده گی تبدیل گردد. هرچه باشد هیچ جا برای ما افغانستان، کابل، قندهار، هرات، پروان، بدخشان، پکتیکا، لوگر و .... نخواهد بود.

کشوری نیست که آبادی اش بدون مشارکت شهروندانش از جای دیگر ممکن شده باشد. ما همان گونه که در تباهی این مملکت مسوولیت داریم، در آبادانی این سرزمین نیز مسوولیت داریم. به جای فرار لازم است تا با دستان توانمند خویش این کشور ار آباد سازیم.

د نا امنیو تسلسل او د حکومت...

بیولو لپاره یو ځل بیا کښېنوي. نور له مینځه ولاړ او هم د شاه شهید د دروونکي پیښې تلفاتو کې د معصومو کوچنیانو او بوډاګانو او میرمنو په ګډون بې ګناه افغانانو وژل، د ګډ حکومت لپاره یو داسې ګواښ دی چې نور له دې حکومت څخه د مشروعیت اخستونکی ګرځي؛ ځکه یو دولت چې د خپل ولس په وړاندې له ټولو ستر کوم مسوولیت لري، هغه د ولس د خلکو ډاډمن امنیت دی چې باید ورته یې برابر کړي او چې کله د دولت د حاکمیت او نفوذ ساحه ورځ تر بلې راغونډیږي نو دولت هم خپل مشروعیت له لاسه ورکوي؛ ځکه هره ورځ د هیواد په یوه برخه کې د نا امنۍ یوه پیښه رامینځته کیږي او د ناامنۍ هره پیښه زمونږ د هیوادوالو ژوند اخلي؛ که هغه بې ګناه ملکي وګړي دي او که د دولت اړوند امنیتي ځواکونه.

د غنی حکومت په پاکستان باور وکړ او واک ته د رسیدلو سره سم یې د خپلې واکمنۍ پنځو لومړیتوبونو کې د پاکستان او سیمې هیوادونو سره د اړیکو پاللو پر بنیاد یې له پاکستان څخه وغوښتل چې طالبان ورسره سولې ته کښېنوي او په دواړو هیوادونو باندې موجود فشار ددې لامل شو چې افغان حکومت د پاکستان له لیارې طالبانو سره د سولې لیار ونیسي او هم په پاکستان فشار وو چې باید طالبان سولې ته حاضر کړي؛ چې له همدې امله دغه کار په سمبولیکه توګه په پاکستان کې د مري په غونډه کې ترسره شو.

خو هیله دا وه چې ښایي دغه لړۍ همداسې دوام وکړي مګر د طالبانو د مشر مړینه او ورسره سم په صفونو کې یې اختلاف راټوکیدل او هم د سولې هڅې د دوی لخوا رد کیدل، افغان ولس یو ځل بیا د نا هیلۍ په سمندر لاهو کړ او د وروستیو نا امنیو پرله پسې پیښې، چې یوازې په مرکز کابل کې نه وې بلکې ورته پیښې په ځینو نورو ولایتونو کې هم رامینځته شوې او په ځانګړي توګه په ننګرهار ولایت کې د داعش د جنګیالیو لخوا د ځوارلسو افغانانو (چې ډیری یې قومي سپین ږیري او مشران وو) په ځمکه په ښخ شوو ماینونو کښېنول او ورته انفجار ورکولو نور د افغانانو د صبر کاسه ډکه کړه. لکه چې د شاه شهید د پیښې په سر چې د افغان ولس ځینو پرګنو د شهیدان شوو افغانانو روح ته د دعاکولو تر څنګه د پاکستان پر خلاف د یو لاریون په ترځ کې ددغه هیواد بیرغ ته اور واچاوه او هم د پکتیا ولایت په برمل ولسوالۍ د پاکستاني دروازې جوړول (چې پنځه ویشت کیلو متره د افغانستان دننه جوړه شوې ده) او هم په همدې ورځو کې په کنړ باندې یو ځل بیا د توغندیو بریدونه ددې لامل شول چې ډاکتر اشرف غني او ډاکتر عبدالله دواړه خپل روان سیاست له پاکستان سره بدل کړي او د نږدې یو کال راهیسې له پاکستان څخه سولې د هیلې لرلو کټوټې نوره ماته کړي او د لومړي ځل لپاره د اشرف غني له خولې څخه داراوځي چې پاکستان زمونږ سره جګړه اعلان کړې ده؛ ځکه زمونږ وسله وال مخالفین د غني په وینا په پاکستان کې په امن اوسیږي او هلته د ځان لپاره قیادت ټاکي.

نو اوس وکتلی شي چې آیا د اشرف غني پاکستان ته وروستی ګوته څنډنه به د پاکستان په سیاست او پالیسۍ کې بدلون راوستلی شي او که نه؟ او پاکستان به لدې وروسته هم، د نواز شریف دغه وینا په عمل کې ونه ښایي؛ چې د افغانستان دښمن د افغانستان دښمن دی.

د افغان حکومت د پریکړې سره سم د پنجشنبې په ورځ به د بهرنیو چارو د وزیر په مشرۍ د یو لوړ رتبه پلاوی پاکستان ته تګ، آیا یواځې د پاکستان په دښمن ګڼلو سره د افغان ولس ربړه حل کیږي او که نه د فشار تر څنګه د سولې هڅې جاري ساتل بیا هم یواځینۍ لیار ده؛ ځکه که پاکستان د وسله والو مخالفینو تر شا سیاسي، نظامي او مالي ملاتړی دی خو د نا امنیو د پیښو د رامینځته کولو افرادي قوت پخپله هغه افغانان دي چې د وسله والو مخالفینو په نوم د دولت پر خلاف جګړه کوي او د افغان وژني په تنور کې یې افغانان وژل کیږي.

خو بدمرغي داده چې د جګړې دواړه لورې افغانان یوه داسې جګړه پر مخ بیایې، چې ګټه یې د افغانانو یو لورې ته هم نده؛ بلکې ددې جګړې ګټه هغه چاته رسیږي چې د پردې ترشا یې پلانوي او مالي او نظامي ملاتړ یې کوي. خو د اور په لمبو یې افغانان وژل کیږي او ورځ تر بلې د افغان ولس په مختلفو پر ګنو کې د اختلاف، بې باورۍ درزونه غټیږي او دیوالونه یې لوړیږي؟!

الله جل جلاله دې افغان ولس نور د هغې جګړې له تاؤ څخه لیرې وساتي چې د افغانانو په خاوره د یو نا اعلان شوې نړیوالې جګړې په توګه، امریکا او چین، پاکستان او هند، ایران او سعودي، روسیه او لویدیځ نړۍ او ان تردې چې انګلستان او امریکا یې هم زمونږ په هیواد کې د خپلو سیاسي، اقتصادي او مذهبي ګټو په منظور پرمخ بیایې.

توقع ما از پاکستان، اقدام صادقانه است...

تباهی و ویرانی می برند، آن ها باید بدانند که در این راستا دولت و مردم یک دست و یکپارچه اند. در عین زمان مردم افغانستان اقدامات عملی می خواهند. وقتی حوادث صورت گرفت جلسهٔ کابینه دایر شد و جلسهٔ شورای امنیت ملی دایر شد و کمیسیونی هم موظف شد که به قربانیان رسیدگی نماید. ولی حد اقل تا دیروز صبح –یکشنبه ۱۸ اسد– به کسانی که ساکنین منطقهٔ سیاه سنگ بودند کمک صورت نگرفته است. این مساله را در جریان جلسهٔ شورای وزیران به حیث آجندای اول مورد بحث قرار می دهیم.

نکتهٔ دوم و بسیار اساسی این است: در حالیکه در مبارزه با حوادث طبیعی کمیتهٔ حالات اضطرار وجود دارد، یک کمیتهٔ دایمی که به حوادث ناشی از حملات تروریستی رسیدگی کند، وجود ندارد. در مجلس امروز شورای وزیران در مورد تشکیل این کمیته بحث می کنیم و نتیجه را اعلان می کنیم و این کمیته به کار خود باید آغاز کند ولی با نظرداشت اینکه کارهای اداری و تشکیلاتی این کمیته زمان گیر است و لازم است کمیسیونی که موظف شده، امروز باید گزارش خود را ارائه کند تا بدانیم چه اقداماتی انجام داده اند و در عین زمان اقداماتی را که بعداً باید انجام بدهند در مورد آن تصمیم می گیریم.

در مورد نحوهٔ برخورد با مداخله های که در افغانستان صورت می گیرد، حمایتی که از تروریست ها صورت می گیرد، ما بحث های داخلی همیشه داشتیم و روش دولت داری هم این است که بحث می باشد، مباحثه می باشد، تا در بیرون از اطاقی که در آنجا بحث صورت می گیرد موضع واحد داشته باشیم. همین روش و همین رفتار را ما مراعات کردیم و مراعات می کنیم. اما چرا ما این کار را مراعات کردیم؟ به خاطر منافع ملی کشور و مصلحت ملی کشور. معنایش این نبود که همهٔ ما توقعات غیر واقع بینانه از مذاکرات صلح داشتیم. معنایش این نبوده که روش و رفتار بازیگران این صحنه در منطقه برای ما واضح نبوده و همه ما نابلد بودیم و تازه می خواستیم تجربه نمائیم. معنایش این بود که از کمترین فرصت هم که بود و است استفاده شود، چون می دانیم که هر روز ادامهٔ جنگ چه باری را بر دوش این ملت بیچاره تحمیل می کند. هر نفری که جانش را در صحنهٔ جنگ از دست می دهد، مردم بیگناه، عسکر، پولیس و پولیس محلی و هر کسی که جان خود را از دست می دهد و خانه اش خراب می شود به سوی فقر می رود و نان آور خود را از دست می دهد. حکومت و رهبران حکومت وحدت ملی، همهٔ ما مسوولانه خواستیم عمل بکنیم. یک طرف مسوولیت ما این است که برای آوردن صلح کوشش صادقانه داشته باشیم و به همین خاطر دروازهٔ صلح به روی همه باز است و دروازهٔ مذاکره باز می باشد. درعین زمان مهمترین و اساسی ترین مساله این است که هم مردم ما، و هم کسانی که در جنگ هستند و هم آنانی که وعده می کنند ولی در عمل شاهد هیچ اقدامی از جانب آنان نبوده ایم، باید بدانند که **یکپارچگی ملت و جنگ علیه ترور یزم ا سلس مشروعیت** ماست. **ما** صلح می خواهیم اما قربانی تحمیل جنگ و تروریزم هستیم. مشروعیتی که نظام ما دارد، برای ما مشروعیت می بخشد. هیچوقت عنوان و عناوینی که دیگران افتخار کرده اند و در شرایط خاص آن را به خورد ملت داده و نشانهٔ مشروعیت خود می دانستند، نه آن روز مشروعیت داشتند و نه امروز مشروعیت دارند و نه در آینده مشروعیت خواهند داشت. ما این مسئله را و این پیام را در اولین موقع، وقتی که خبر مرگ ملاعمر فاش شد، به مردم رسانیدیم.

ما نشان نیت نیک کشور جمهوری اسلامی پاکستان این را می دانیم که همچو جلسات سرتاسری از سوی جنایتکاران در روز روشن در خاک شان باز تحت نام دیگر برای ادامهٔ جنایات برگزار نشود. ما این را می خواستیم و حق داشتیم که بخواهیم، ولی متاسفانه چنین نشد و این کار صورت گرفت. در ده ماه گذشته کمترین تغییری در ظرفیت ماشین جنگی طالب ها نیامده، بلکه افزایش هم یافته، چون فشار نیست بالای شان، چون تجهیز می شوند و تمویل می شوند و آزادانه می آیند و جان و مال مردم را با خطر مواجه می سازند. در این راستا یک حرف، یک جمله ای که ثابت کرده بتواند که با ما همکاری صورت گرفته، من به حیث رییس اجراییهٔ حکومت وحدت ملی افغانستان از آن اطلاع ندارم. یک قدم برای همکاری برداشته نشده است. حرف های بسیار خوب شنیدیم. **در هم ین تعمیر شنیدیم که دشمن افغانستان، دشمن پاکستان است.** این چه رقم دشمن پاکستان است که در اینجا جنایت می کند و در آنجا آزادانه جلسه می گیرد. درجایی که دولت از حمایت ملت برخوردار باشد إن شاء الله و به یاری خداوند ملت برنده است. در این شک نیست که فقر، بیکاری تمام مشکلات دیگری که به این مردم میراث مانده و میراث جنگ بوده و تا اندازه ای هم میراث حکومتداری خراب دامنگیر مردم است.

وقتی در آن نقطه ای رفتیم، در سیاه سنگ و شاه شهید، و به منظور تسلی از مردم دیدن کردیم، از جوانانی که در آنجا بودند پرسان کردیم کار و بار خودت چی بود؟ گفتند که موتر سایکل را ترمیم می کردیم و پولی هم که پیدا می شد کرایهٔ دکان را درست نمی رساند. این یک مشکل جدی است که مردم با آن مواجه هستند، و این دولت است که وظیفه و مسوولیت دارد که در این راستا کار کند و امیدوار هستیم، همهٔ ما و شما متوجهٔ مسوولیت خود باشیم. به هر اندازه ای که کار خود را پیش می بریم باید مشکلات مردم خود را در نظر داشته باشیم. اینکه مردم ما در چه وضعیتی به سر می برند قابل درک است.

از نیروهای امنیتی ما تشکری و قدردانی به تنهایی کفایت نمی کند، آنان تاج سرِ ما هستند. باید با تمام امکانات به آنان رسیدگی شود و این را به مردم خود اطمینان می دهیم که در این راستا کوتایی صورت نمی گیرد.

اما متأسفانه در این بخش مشکلاتی وجود داشته است. به طور نمونه کسی که بیست و پنج روز پیش زخمی بوده کسی از قطعه اش نیامده که خبرش را بگیرد و اینکه تو منسوب به این قطعه بوده ای و ما در برابرت مسوولیت داریم.

مردم حق دارند وقتی در مسئله ای کاری نمی شود، شکایت کنند. بزرگان ننگرهار روز گذشته آمده بودند و وضعیت امنیتی را در برخی از ولسوالی های آن ولایت تشریح نمودند و اینکه مردم با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می کنند. از جرم و جنایت طالبان گفتند و اینکه وحشت را به جایی رسانیده اند که شخصی را در این ولایت با اره از وسط نیم نموده اند. این کار و این جنایت صورت می گیرد، من می گویم که یک جنایت معادل این جنایت هم در اینجا صورت می گیرد. این جنایت معادل این است که خائن هایی به این ملت که در شرایط صلح از برکت قربانی اردوی ملی افغانستان، از برکت صبر و حوصلهٔ اردوی ملی و نهاد های امنیتی افغانستان، از برکت صبر و حوصلهٔ مردم افغانستان در همینجا زندگی می کنند، در همینجا از جنایت دفاع می کنند.

اگر ما هم در برابر همچو دست ها و همچو نیروها اقدام نمی کنیم، بدون شک عملکرد ما زیر سوال سخت مردم افغانستان قرار می گیرد. حضور جاسوس های دشمن در صفوف دولت افغانستان چیزی است که از گذشته به میراث مانده و وضعیت همینگونه ادامه یافته است. تصفیهٔ صفوف حکومت از این جاسوسان باید از اولویت های حکومت وحدت ملی باشد.

همینقدر برای تان می گویم که در جلسات گذشته و در روزهای گذشته بحث های بسیار طولانی در سطح شورای امنیت ملی داشتیم و البته این به معنای آن نخواهد بود که دیگر هیچ حادثهٔ تروریستی در افغانستان صورت نمی گیرد. متاسفانه مردم ما با یک مقابله دوامدار که پایان اش را هنوز به چشم نمی بینیم، مواجه هستند. اما اقدامات ما باید روشن باشد. در مورد صلح و گفتگو، در جایی که کوشش های ما ناکام شده در کجایش روش و عملکرد ما اشتباه بوده است. در کجایش می توانیم باز نگری داشته باشیم؟ در مسائل امنیتی و دفاعی کشور؟

در اینکه مردم منتظر هستند شکی نیست. زیرا به این اکتفا نمی کنند که ما برویم از یک ویرانه بازدید بکنیم و با دو نفر صحبت بکنیم و بعد پشت سر آن عملی وجود نداشته باشد. مردم افغانستان وقتی بدانند دولتی که به آن رأی داده اند و حکومتی که به آن رأی داده اند یک سیاست واضح در قبال تامین امنیت دارد، برای آوردن صلح دارد، در مقابله با دشمنان دارد، برای تامین رفاه مردم دارد در آن صورت پشتیبانی محکم می کنند. راز موفقیت ما هم در همین خواهد بود که حمایت و پشتیبانی مردم را با خود داشته باشیم. اگر حمایت مردم را با خود داشته باشیم و برای آنان واضح اعلام کنیم، مردم با ما می باشد. **یک تجربهٔ بشری را شما نشان بدهید که صلح با تضرع و زاری به ثمر رسیده باشد.** یکی از کسانی که از حامیان طالبان است در نشستی توصیه کرده است چه کاری بکنیم تا طالب ها زنده بمانند و تقویه شوند. نیت حامیان طالبان واضح شده و چیزی در این بخش مبهم نمانده است.

صحبت ها را در این مورد جمع می کنیم، و به مردم افغانستان اطمینان می دهیم که در عزم و ارادهٔ حکومت وحدت ملی در راستای دفاع از جان و مال مردم تزلزل وجود ندارد و شما هم در این تصمیم شک نداشته باشید.

انتقاد تان را با تمام مسوولیت پذیری قبول می کنیم و وعدهٔ ما همین است که منافع ملی را در بدل هیچ چیز معامله نمی کنیم. اشتباهی که در جایی صورت گرفته باشد جبران می کنیم. در پهلوی مردم خود و در کنار مردم خود برای ساختن افغانستانی که در آن جنایت صورت نگیرد، در آن تروریزم ریشه نداشته باشد و مردمش آن را خانهٔ امن برای خود و آیندهٔ خود و فرزندان خود بدانند، قرار داریم.

هیچ وقتی در سیزده سال گذشته به حدی که امروز مسوولیت تامین امنیت بر عهدهٔ نیروهای امنیتی ماست، قرار نداشته است. در حالیکه همکاری جامعهٔ بین المللی هنوزهم ادامه دارد، ولی سطح این همکاری فرق کرده است. آن زمانی که در هر سنگر و هر خط اول، آن ها می جنگیدند و در تامین امنیت و در پهلوی نیروهای امنیتی قرار داشتند، آن دوره گذشته است. اکنون در مرحلهٔ دیگری قرار داریم. در این مرحله هر ملت روزهای سخت و پر مشقتی را تجربه کرده و این شب و روز هم روزهای سختی است که مردم ما می بینند و تحمل می کنند.

جواب همه این مشکلات با توکل به خداوند، یک دست بودن و یک پارچه بودن ملت و دولت است. همصدا بودن و همفکر بودن در داخل حکومت در راستای رسیدگی به مردم و خدمت به مردم و انجام خدمات صادقانه است. این عزم ماست و این توقع ما از همکاران ما در سطوح مختلف حکومت و جامعه است.

برگزاری نمایشگاه رسانه ها اقدام بی پیشینه

اندیشه

نمایشگاه رسانه ها برای نخستین بار در کابل توسط وزیر اطلاعات و فرهنگ افتتاح شد. به گزارش خبرنگار مجاهد، هدف اصلی از برگزاری نمایشگاه رسانه‌ها، به نمایش گذاشتن کارکرد و فعالیت رسانه های افغانستان گفته شده است. وزیر اطلاعات و فرهنگ به ادامهٔ تبیین اهداف دیگری این نمایشگاه، همصدایی رسانه های افغانستان، حمایت از آزادی بیان و خبرنگاران کشور و همچنان معرفی رسانه های کشور به جامعهٔ بین المللی عنوان کرد. وزیر فرهنگ با بیان اینکه رسانه های افغانستان نقش مؤثر خویش را برای مردم افغانستان و دنیا ثابت کرده گفت: ما در زمان بسیار کم دست آوردهای خیلی مهم را در راه آزادی بیان کسب کردیم.



سیده مژگان مصطفوی معین نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور دربارهٔ برگزاری این نمایشگاه گفت: برگزاری چنین نمایشگاه ها می تواند گام مفید برای رشد رسانه ها و ایجاد همگرایی میان رسانه های کشور باشد. معین نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ افزود، این نمایشگاه می تواند گام ارزنده برای تقویت رسانه و آزادی بیان و همچنان معرفی رسانه برای مردم افغانستان و جامعهٔ بین الملل باشد. خانم مصطفوی با ابراز امیدواری گفت: امیدوارم که همه ساله چنین نمایشگاه ها را برگزار کنیم و رسانه هایی که امسال نتوانسته شرکت کنند در سال های آینده بتوانند شرکت داشته باشند.

قابل یاد آوری است که نمایشگاه رسانه ها برای نخستین بار، از طرف مرکز نمایشگاه افغانستان که یک نهاد مستقل است و در عرصه های مختلف کار می کند، در همکاری وزارت اطلاعات و فرهنگ برگزار شده است. سید گل شیر سید مسؤول مرکز نمایشگاه در روز برگزاری نمایشگاه در مورد فعالیت های نهاد مربوط معلومات داده خاطر نشان ساخت که این مرکز از یک سال بدینسو فعالیت می کند و در پهلوی کارهای تبلیغاتی و رسانه ای در مورد رشد اقتصادی کشور نیز تلاش می نماید.

فضل هادی مسلمیار رئیس مشرانو جرگه هنگام افتتاح این نمایشگاه گفت: رسانه ها به عنوان رکن چهارم نظام نقش اساسی را می توانند برای اتحاد و یک پارچه‌گی مردم افغانستان بازی کنند. او با بیان اینکه عزت و حیثیت مردم افغانستان مشترک است گفت: رسانه ها در انعکاس رویدادها باید با مسؤولیت کار کنند.

قربان حقجو رئیس ادارهٔ آیسا، رشد رسانه ها را در چهارده سال گذشته یکی از دست آوردهای مهم نظام عنوان کرده گفت: رسانه ها در بخش سیاست، فرهنگ و اقتصاد نقش بارز دارند. حقجو افزود رسانه ها می توانند سرمایهٔ صدها میلیونی را برای کشور جذب کنند. رئیس آیسا باور دارد که آوردن ثبات سیاسی در گرو نقش رسانه است و بدون آوردن ثبات سیاسی آوردن اقتصاد در کشور هم کار محال است.

رسانه های افغانستان طی سال های اخیر از رشد کمی برخوردار بوده اند، اما در مورد رشد کیفی و وابستگی های مالی این رسانه ها هنوز سوالاتی مطرح است که قناعت مردم و متخصصین رسانه ای را فراهم نکرده است. از سویی هم رسانه های افغانستان نقش اساسی را در بخش های اطلاع رسانی، سرگرمی و آموزش ایفا کرده اند. هرچند برخی رسانه ها تا هنوز برضد ارزش های فرهنگی نشرات دارند و با وجود موانع قانونی این رسانه ها دیده می شود که خطوط قرمز را عبور می کنند. روی هم رفته کارکرد رسانه ها و نقشی را که در امر اطلاع رسانی و بیداری مردم ایفا کردند، قابل ستایش است.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند حقاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا و اندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا و مواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست.

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ بیستم ۲۴ اسد ۱۳۹۴ ۲۹ شوال المکرم ۱۴۳۶ 15 August 2015

مصر او سوریه

د اسلامی امت په وړاندې نور اعتبار له لاسه ورکوي

■ شفيق

مصر او سوريه د عربي نړۍ له مينځه هغه دوه هيوادونه دي، چې د خپلو لرغونو تاريخونو او هم په علمي، فکري او پياوړو سياسي موقعيتونو لرلو سره د اسلامي نړۍ له پياوړو هيوادونو څخه گڼل کيدل، خو د يوويشتمې پيړۍ په رابره کيدو سره د عربي پسرلي په نامه د خپلو ولسونو د پراخه پاڅونونو په وړاندې د بصيرت د لياري د خپلولو پر ځاې د زور او خشونت د لياري په نيولو سره د خپلو ولسونو د پراخه بغاوت او مخالفت سره مخ شول.

په سوريه کې د بشار الأسد پلاړ حافظ الأسد او په مصر کې حسني مبارک د اوسنيو واکمنانو څخه مخکې اوږدې مودې واکمنۍ وکړي چې د ظلمونو لامله يې خپل ولسونه دښمنان شول او چې کله يې ولسونو د سرتاسري پاڅونونو ليار ونيوله نو د هغوی وارثينو (په سوريه کې بشارالأسد او په مصر کې السيسي) په خپلو مظلومو ولسونو يو د روسيې او ايران په ملاتړ او بل د امريکا او سعودي په ملاتړ د ظلم ميچني گرځول پيل کړل.

په سوريه کې د بشارالأسد بعثي رژيم د واکمنۍ د امتداد لامله (چې ولس يې ورڅخه کرکه لري او د پراخه سني اکثريت پر خلاف د يو علوي اقليت واکمني ده) نن د سوريې ولس له نيمايي څخه زيات وگړي، چې نږدې دولس مليونو ته رسيږي، له خپلو ځايونو بيځاي شويدي او ورڅخه اته مليون مهاجر شويدي او د جبهة النصرة، حزب التحرير، جبهة احرار الشام او په وروستيو کې د داعش په نوم نوی ډله او هم د سوريې له واکمن نظام څخه جلا شوی آزاد پوځ، د بشارالأسد د رژيم پر خلاف جنگيږي او تر دا مهاله دوه لکه ديرش زره سوريايي وگړي وژل شويدي. چې د سوريې له واکمن نظام سره بيا د لبنان حزب الله او د ايران سپاه پاسداران ملگرتيا کوي؛ ځکه سوريه تل د ايران سره د ايران پر خلاف د نړيوالې ټولنې او په سر کې يې د امريکا لخوا په هر اړخيزه کلابندۍ کې ملگرې پاتې شويده.

او بيا بلې خوا ته د ايران سيمه ايز حريف سعودي عربستان بيا د سوريې واکمن رژيم پر خلاف ځينو جنگياليو سره خواخوږي ښايي، خو هغسې يې ملاتړ نشي کولاې لکه چې ايران يې د بشارالأسدله رژيم سره کوي.

د څلورو کلونو راهيسې روانه جگړه کې د سوريې ځيني مهمې سيمې لکه حمص او حلب د بشار الأسد له واکمنۍ څخه وتلې دي او تيره اونۍ هم، دمشق ته نږدې مرکزي سيمې او د الفوا او کيفرايا په سيمو کې جگړې زور واخست او په زبداني نومي سيمه کې هم ورته حالت دی؛ د سيمو اوسيدونکي چې د لبنان د حزب الله او جبهة احرارالشام د جنگياليو ترمينځه جگړه کې محاصره دي، د دواړو ډلو لخوا په يو نوې اوربند باندې اتفاق ښايې د سيمې خلکو ته د غذايي توکو او دواگانو رسيدلو زمينه برابره کړي. پدغه جگړه کې چې بشارالأسد يې د خپل ولس پر خلاف کوي، واکمن رژيم څو ځلې بيلري بمونه او کيمياييې وسلې هم استعمال کړي دي، چې د عفوې نړيوال سازمان د تېر په څير يو ځل بيا هم د بشارالأسد رژيم پدې تورن کړی دی.

او په مصر کې د عبدالفتاح السيسي په لاس د امريکا او سعودي په اشاره د دوکتور مرسي ولسواکه نظام يو کال وړاندې ړنگ کړاې شو، چې دغه کار بيا د مصري ولس د غوسې لامل شو او دا مهال د مصر ديکتاتور واکمن (که څه هم د سيناريويي ټاکنو له لياري يې واک نيولی دی) د مصر په مختلفو سيمو او په ځانگړې توگه د سينا په ټاپو وزمه سيمه کې د خپلو مخالفينو سره په جگړه کې ښکيل دی او مياشت وړاندې د مصر د حکومت څخه بغاوت کوونکو مصريانو د ديرشو په شاوخوا کې مصري پوليس په يو بريد کې ووژل او هر وخت د مصر ديکاتور رژيم لپاره گواښونه ولاړوي، چې د ناامنۍ لامله د مصر اقتصاد هم ډير خراب شويدی.

السيسي د خپل ولس دغولولو په منظور د سويس کانال سره موازي د ۷۲ کيلومتره په فاصله يو نوي کانال د غځولو پروژه هم په همدې منظور عملي کړه، خو په مصر کې د اقتصادي بد حال د ليرې کولو په لړ کې گټوره واقع شي؛ پداسې حال کې چې د مصر د حکومت د عايداتو غټه برخه د مصر له تاريخي ځايونو څخه د بهرنيانو د ليدنې (سيا حت او توريزم) له لياري برابريږي، خو چې کله مصر نا امنه اوسي او د خپل ولس سره په جگړه کې ښکيل اوسي نو بيا دغه کانال پرته لدې چې يوه سياسي پروژه اوسي، هيڅکله اقتصادي پروژه نه پاتې کيږي؛

۳مخ



علامه وهبهٔ الزحيلی الحنفی فقيه سرشناس جهان اسلام دنيا را پدرود گفت

دکتر علامه وهبهٔ الزحيلی الحنفی، يکی از فقهای سرشناس جهان اسلام، شامگاه شنبه ۱۷ اسد (۲۲ شوال ۱۴۳۶) به ديار باقی شتافت.

به گزارش رسانه ها، علامه زحيلی در سن ۸۳ سالگی در پايتخت سوريه وفات يافته است. نامبرده با وجود آن‌که يکی از منتقدان رژيم بشار اسد بود، اما با شدت گرفتن درگيری‌های داخلی در سوريه، ترجيح داد در زادگاه خود بماند.

وهبهٔ الزحيلی در سال ۱۹۳۲م. در "دير عطيه" در نزديکی دمشق ديده به جهان گشود و از علما و فقهای سوريه و مصر کسب فيض کرد. پدر وی، حاج مصطفی زحيلی، حافظ قرآن و فردی دين‌دار و پايبند سنت بوده است.

دکتر زحيلی پس از فراگيری علوم مقدماتی در دمشق، در سال ۱۹۴۷م. عازم مصر شد و هم‌زمان در دانشگاه‌های "الأزهر" و "عين شمس" در رشته‌های زبان عرب، علوم شرعی و حقوق به تحصيل پرداخته بود؛ او در اين دانشگاه‌ها موفق به کسب مدارک عالی شد.

علامه زحيلی تحصيلات عالی و تخصصی خود را در دانشگاه‌های الازهر و قاهره پی گرفته بود و موفق به کسب مدرک دکترا در رشتهٔ حقوق از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه قاهره، بخش شريعت شد.

علامه زحيلی پس از اخذ مدرک دکترا، در سال ۱۹۶۳م در دانشگاه دمشق زندگی حرفه‌ای خود را آغاز کرد و در طول عمر خود به عنوان استاد، رئيس دانشکده و مسوول در چندين دانشگاه عربی در کشورهای مختلف خدمت کرده است. وی رياست شعبهٔ الفقه الإسلامی و مذاهبه در دانشگاه دمشق را نيز بر عهده داشت. دکتر زحيلی در سال ۲۰۰۸م. جايزهٔ برجسته‌ترين شخصيت علمی جهان اسلام را، که از سوی دولت مالزی اعطاء می‌شود، از آنِ خود کرد.

از دکتر وحبهٔ الزحيلی بيش از ۸۰ اثر علمی ارزشمند و جهانی به‌جای مانده است که شماری از آن‌ها به زبان‌های مختلف از جمله به فارسی نيز برگردان شده است.

در صفحهٔ فيسبوک نصير عبدالرحمن مسوول بنگاه نشراتی ميوند در کابل، آمده است که اخيراً کتاب "الفقه الاسلامی و ادلته" تاليف اين بزرگمرد که توسط استاد غلام الدين کلانتری به فارسی ترجمه شده است از طرف بنگاه انتشارات ميوند به قطع و صحافت زيبا چاپ و خدمت علاقمندان کتاب تقديم گرديده است.

ترازيدی مهاجرت!

■ تکساری

از زمان مبارزات انتخاباتی تا ايجاد حکومت وحدت ملی، يکی از اولويت های کاری اين حکومت رسيدن به صلح و مذاکره با طالبان بوده است. برنامه های اقتصادی تا هنوز در اولويت کاری اين حکومت قرار نگرفته است. امروز کار و اشتغال به بال عنقا در کشور تبديل شده است. دسترسی جوانان به کار و اشتغال پس از فراغت جوانان از دانشگاه های کشور و سائر مراکز به خواسته های محال هر جوان بدل شده است. در يک چنين اوضاع و احوال و برهوت فقر و نا امنی باور ها به اين است؛ که زندگی درين جغرافيا مشکل شده است. التهاب های سياسی؛ اقتصادی و اجتماعی برخی خانواده ها را مجبور ساخته است که به هر وسيلهٔ ممکنه کشور را ترک نمايند. در جامعهٔ که تفکر، تجربه، خبرت و دانايی جرم پنداشته می شود، ديگر يک چنين بحران اجتماعی به وجود خواهد آمد.



امروز دروازه های اميد به روی برخی جوانان و خانواده ها بسته شده است. رئيس جمهور در روز های نخستين حيات حکومتش از اعضای کابينه خواست تا پلان صد روزهٔ خويش را به معرفی بگيرند و اين کار را در افغانستان رسانه يی ساخت و بعد همه چيز به پايان رسيد در حاليکه کار کابينه به برنامه های کوتاه مدت و دراز مدت تقسيم می شود و بسياری از برنامه های که در اين صد روز از جانب اعضای کابينه در صد روز عنوان شده است کاری است که در پنج سال تطبيق آن غير عملی خواهد بود. فقط اين يک بازی سياسی است و بس.

ص۶